خراسان جنوبی روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان جنوبی

رنگ خون روی برگ‌های پرونده متهمان نزاع طایفه‌ای

علیرضا رضایی- روز گذشته اولین جلسه رسیدگی به پرونده نزاع دسته جمعی در دو طایفه که منجر به قتل مرد ۴۵ ساله ای از یکی از طایفه ها شده بود در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان برگزار شد.

به گزارش «خراسان جنوبی» قاضی «رمضانی» در ابتدای جلسه در تشریح جزئیاتی از ماجرا بر اساس پرونده خطاب به حاضران گفت: هفتم فروردین نود و چهار درگیری بین اعضایی از دو طایفه در یکی از روستاهای نهبندان رخ داد تا حدی که این درگیری منجر به مرگ مردی ۴۵ ساله شد.

وی ادامه داد: شروع ماجرا مربوط به روز وقوع حادثه هست و به این شکل رخ داده است که سه نوجوان در حال تردد با موتورسیکلت در روستای محل جرم بوده اند که توسط تعدادی از جوانان روستا مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و وقتی کتک کاری این نوجوانان به گوش پدران آنها می رسد آنها هم برای روشن شدن موضوع به روستای محل نزاع حرکت می کنند و وقتی به همدیگر می رسند درگیری بین آنها رخ می دهد که در این بین مرد ۴۵ ساله ای کشته می شود.

در ادامه جلسه «همدم» نماینده دادستان کیفر خواست دادسرا را مطرح کرد و گفت: اوایل فروردین ۹۴ نزاع دسته جمعی بین چندین نفر در یکی از روستاهای شهر نهبندان رخ می دهد که در این نزاع مردی ۴۵ ساله جان خود را از دست می دهد که حسب گزارش نیروی انتظامی، مراجع قضایی هنگام بازپرسی، معاینه جسد و گواهی پزشکی قانونی وشهود ماجرا دوتن از عاملان اصلی معرفی می شوند که با توجه به دفاعیات غیر موجه ارائه دادند.

در ادامه پسر مقتول در جایگاه ایستاد و گفت: روز درگیری من به اتفاق چند نفر دیگر در زمین فوتبال بودم که یک پژو پارس و سه موتور جلوی زمین توقف کردند و من و چند نفر دیگر جلو نرفتیم، گفتم پدرم موضوع را حل می کند اما وقتی یکی از آنها به پدرم حمله کرد جلو رفتم که متهم ردیف دوم (ح- ب) با ساطور به سرم زد و دیگر چیزی نفهمیدم.

و حالا از متهم ردیف اول (غ-ب) به خاطر قتل پدرم و (ح-ب) برای مجروح کردن خودم شکایت و تقاضای قصاص قاتل پدرم را دارم.

همسر مقتول هم در جایگاه ایستاد و تقاضای قصاص متهم (غ-ب) را مطرح کرد و گفت: من زمان درگیری نبودم اما شنیده ام که مرحوم همسرم چندین بار به متهم گوشزد کرده است که موضوع را تمام کند اما برادر متهم با ساطور پسرم را زخمی کرده است و هرگز گذشت نمی کنم.

در ادامه سه دختر مقتول هم در جایگاه حاضر و خواستار قصاص قاتل پدرشان شدند.

• برای کشتن کسی نرفتم

سپس متهم ردیف اول (غ-ب) در جایگاه ایستاد و گفت: ۵۵ سال عمر کرده ام. بپرسید که آیا من اهل دعوا و آدم کشی هستم؟ چرا شاکیان پرونده دلیل را روشن نمی گویند؟ موضوع از ضرب و شتم پسرم شروع شد و وقتی این مسئله را به برادرم گفتم او از من خواست برویم و به مقتول تذکر دهیم و دیگر این که بفهمیم چرا سه مرتبه است که بچه های ما را کتک کاری می کند.

روستای... روستای مادری من است و به آنجا رفت و آمد داشتیم بنابراین به اتفاق برادرم و پسرم به روستا رفتم که مقتول جلوی زمین فوتبال ایستاده بود و وقتی ماشین ترمز کشید و روی شن های درشت سر خورد به من توهین کرد اما پیاده شدم و دستم را به طرفش دراز کردم که دستم را پس زد.

متهم ۵۵ ساله ادامه داد: من فقط برای گلایه و روشن شدن موضوع درگیری جوانان به آن جا رفته بودم که با ۳۲ نفر روبه رو شدم.

هرگز قصد دعوا نداشتم اما آنجا حرف های رکیکی شنیدم که دعوا شروع شد و دیدم از بینی پسرم خون می آید در نتیجه برای نجات پسرم و برادرم تلاش می کردم و مدام افراد را اهل می دادم اما مقتول چوبی در دست داشت و می چرخاند و می گفت: بکشید، من پول خون را می دهم.

متهم اضافه کرد: از زمین و آسمان سنگ و چوب می آمد و من و برادرم قصد فرار از معرکه را داشتیم. وقتی خودم را به پسرم رساندم گفتم به پاسگاه پشت تپه اطلاع دهد و حالا من به عنوان متهم اینجا هستم چرا واقعیت را نمی گویید؟

من ضربه ای به مقتول وارد نکرده ام، ما با هم قوم و خویش هستیم. فقط این را می دانم این ها که هم اکنون شاکی هستند برای من برنامه ای درست کرده اند.

در ادامه قاضی تذکر به متهم را وارد دانست و خواست که از کلمات تحریک آمیز استفاده نکند و خطاب به شکات حرفی نزند.

متهم ادامه داد: وقتی ۳۲ نفر به ما سه نفر حمله کردند باید چه کار می کردم؟ من برای نجات پسرم و برادرم فقط با دست افراد را اهل می دادم.

قاضی: طبق صورت جلسه انتظامی از داخل ماشین شما چوب دستی، چماق، ساطور و کُرُدُم کشف شده است، چه توضیحی دارید؟

متهم ۵۵ ساله گفت: چوب دستی، چماق و... نبوده بلکه دو میله آهنی خیلی نازک بوده است. من می دانستم مقتول ناراحتی قلبی دارد چطور می شود با چوب دستی او را بکشم؟

قاضی: شما به اتفاق سه نفر در نزاع شرکت داشتید اما هم اکنون پنج نفر دیگر هم در این پرونده ۴ جلدی هزار صفحه ای نقش داشته اند، برای این چه دفاعی دارید؟

متهم اظهار داشت: ابتدا من به اتفاق برادرم و پسرم رفتم که آخر درگیری این ۵ نفر اضافه شدند.

در ادامه متهم ردیف دوم (ب- خ) در جایگاه ایستاد و در دفاع از خود عنوان کرد: در این ماجرا چاقویی در کار نبود و ماشین متعلق به خودم بود و آلات هم داخل ماشین من بود. آن روز وقتی بچه برادرم با لباس های پاره وارد خانه شد ماجرا را جویا شدم که برایم تعریف کرد و موضوع را به برادرم گفتم و از او خواستم تا برویم با مقتول (ق) صحبت کنیم و ببینیم چه مشکلی هست که مدام بچه های ما را مورد ضرب وشتم قرار می دهد که ابتدا برادرم حاضر نشد ولی با اصرار من و پسرش رفتیم که ۳۰ نفر به ما حمله کردند و کتک خوردیم و حالا قاتل هم شده ایم. متهم ادامه داد: اگر قصد نزاع و درگیری دسته جمعی داشتیم یا می خواستیم مقتول را بکشیم سه نفره به روستا نمی رفتیم بلکه با خود آدم می بردیم. ما برای جویا شدن موضوع رفتیم که در آنجا درگیری رخ داد.

• من هیچ کدام از اتهام ها را قبول ندارم

دیگر متهم نزاع (الف- ب) در دفاع از خود گفت: این حاضران در دادگاه روز حادثه من، پدرم و عمویم را به طرز فجیعی می زدند. نمی دانم سنگ و چوب به آن وسعت از کجا آورده بودند که در این درگیری من سپر پدرم شده بودم و پدرم سپر من چون از همان ابتدا دنبال چنین جریانی نبودیم.

متهم (م- ب) هم گفت: این ها گفتند با چوب، چماق، کُرُدُم و... آمدیم مگر ما جومونگ هستیم؟ موضوع از ضرب و شتم پسر عمویم شروع شد و وقتی من برای دفاع از او رفتم مرا هم کتک کاری کردند.

وقتی موضوع را برای عمویم تعریف کردم آنها به اتفاق برادر بزرگم برای جویا شدن این که چرا من و پسر عمویم را کتک کاری کردند رفتند و من هم همراه ۴ نفر دیگر بعد از ۱۵ دقیقه به آن جا رفتم که جلوی زمین فوتبال با صحنه ای مواجه شدم که تعداد زیادی پدرم، عمویم و برادرم را کتک کاری می کردند بنابراین من هم وارد شدم.

الان هم باید بگویم چاقویی در کار نبود و هنگام درگیری چوب دستی به دستم آمد و من هم ضربه ای به زیر چشم یکی از شاکیان زدم.

متهم (م- ب) نیز در دفاع از خود گفت: چاقویی در کار نبود، من کسی را نزدم و کسی مرا نزده است.

متهم (الف - ب) هم اظهار داشت: در گوشه ای ایستاده بودم و به حال پدر و برادرم گریه می کردم. من به کسی حمله و یا کتک کاری نکردم.

متهم (م- س) هم گفت: وقتی دیدم سر و صورت دایی ام (متهم ردیف اول) خونی است به پاسگاه رفتم تا به او سر بزنم و مامور خواست ماجرا را روی برگه بنویسم و حالا من هم متهم به شرکت در نزاع دسته جمعی، شروع به قتل، تهدید، توهین و قدرت نمایی هستم.

متهم (ف- ب) گفت: من در این دعوا فقط طرفین را جدا می کردم.

در ادامه پسر مقتول هم به اتهام شرکت در نزاع منجر به مرگ، توهین، تهدید و قدرت نمایی با چاقو در جایگاه ایستاد و گفت: با ضربه ساطوری که خوردم دیگر از جای خود بلند نشدم.

متهم (ع- ق) هم در دفاع از خود گفت: من از زاهدان آمده بودم و در منزل مقتول نشسته بودم که خانمم تماس گرفت و گفت که در میدان فوتبال درگیری شده است و من هم رفتم و وقتی رسیدم متهم ردیف دوم که ساطوری در دست خود داشت را گرفتم اما این دعوا مثل یک انفجار به وسعت زیادی رخ داد و من در این نزاع به کسی آسیبی وارد نکردم و پا درمیانی می کردم.

متهم (ح- ب) در دفاع از خود گفت: من فقط دیدم که پسر مقتول سرش خون ریزی کرده و بلند می شود و می افتد روی زمین بنابراین به کمکش رفتم و درگیری با کسی نداشتم.

متهم (م- ق) گفت: وقتی چوب به زیر چشمم خورد چند دقیقه ای گیج بودم و بعد از آن چهار نفر به من حمله کردند و من هم فقط برای دفاع از خود دست هایم را روی سرم گذاشتم، فقط می دانم که (غ- ب) چوب را به سر عمویم زد.

در ادامه جلسه وکلای دو طرف از موکلان خود دفاع کردند و قرار بر این شد تا حدود ۱۰ روز آینده لایحه دفاعی را به دادگاه ارائه دهند.

در پایان با توجه به این که شاهدان پرونده در دادگاه حاضر نشده بودند دادگاه بیان آخرین دفاعیات متهمان را به جلسه دیگری موکول کرد.

گذری در ستاد دیه

جدایی بعد از ۱۴ سال زندگی

صدرا- اشک می ریخت و التماس می کرد تا بلکه همسرش به خاطر دو فرزندش به خانه برگردد اما قصه تلخ جدایی بعد از ۱۴ سال زندگی مشترک در مقابل دو فرزند طوری رقم خورد که حتی اعضای ستاد دیه را هم تحت تاثیر قرار داد.

مرد به همسرش می گفت: برای بچه ها برگرد نه برای من اما زن به هیچ عنوان نمی پذیرفت.

آن طرف سالن زن سکوت کرده بود و فقط سر تکان می داد.

مرد راننده کامیون و مدام در جاده بود اما باز هم زندگی روی شیرینی اش را برای آن ها داشت تا این که رونق از کار مرد رفت و دیگر درآمدی ثابت به خانه نمی آمد و پاسخگوی درخواست های زن نبود و بعد از یک ماه بیکاری وقتی مرد به منزل بازگشت با نامه ای روبه رو شد که تپش قلبش را دو چندان کرد، همسرش تقاضای طلاق داده بود.

مرد ۳۹ ساله گفت: تمام بزرگان فامیل را برای برگشت همسرم به خانه به منزل پدرش بردم اما فایده ای نداشت و روند رسیدگی به پرونده در دادگاه انجام شد تا این که من مجبور به پرداخت ۴۲ میلیون تومان مهریه برای ۳۵ سکه بهار آزادی شدم.

نمی دانستم چکار کنم و با وجود این که دادگاه پرداخت آن را اقساطی کرد باز هم نتوانستم اقساط مهریه همسرم را پرداخت کنم و حکم جلب من آمد و برای اولین بار سردی دستبند قانون را بر دستانم لمس کردم.

دیوارهای زندان برای من ناآشنا بود و یک ماه شب و روز خودرا تشخیص نمی دادم. باز هم برای گرفتن رضایت، دوستان و آشنایان و مددکار زندان را به منزل پدرش فرستادم اما فایده ای نداشت.

۶ ماه را در زندان سپری کردم تا این که با همت مددکار زندان و ستاد دیه استان ۴۲ میلیون تومان مهریه به ۲۰ میلیون تومان کاهش یافت.

مرد که هنوز اشک می ریخت و نیم نگاهی به پسر ۱۰ ساله خود داشت عنوان کرد: با کمک آشنایان کمی از آن را تهیه کردم و ستاد دیه مرا به بانک معرفی کرد تا توانستم ۲۰ میلیون تومان مهریه را پرداخت کنم.

می توانید از خانم بپرسید که در طول این زندگی ۱۴ ساله آیا من دست روی او بلند کردم و یا حرفی زدم. من هنوز هم او را دوست دارم که او برای دو فرزندم مادری کند و به خانه برگردد چون نگران آینده دو فرزندم هستم.

اعضای ستاد دیه با همسر مرد به گفتگو پرداختند که او شغل مرد و نداشتن درآمد پایدار را مطرح کرد و گفت: دیگر حاضر به این زندگی نیستم، دو فرزندش هم مال خودش چون من به این زندگی برنمی گردم.

جدول، سرگرمی، ورزش ذهن [۱۳۹۶/۲/۲۶]

معمای مجموع ارقام

شنبه ها و سه شنبه ها

«مجموع ارقام» یک سرگرمی جذاب با قوانین ساده است که فقط به «منطق» و «جمع» نیاز دارد. سابقه پیدایش آن به بیش از ۶۰ سال پیش در آمریکا برمی گردد اما از ۳۰ سال پیش مورد توجه ژاپنی ها قرار گرفت طوری که در بیش از ۱۰۰ نشریه ژاپن منتشر شد و حالا دومین سرگرمی محبوب شان (پس از سودوکو) است که در جهان هم با نام کاکرو (Kakuro) پرطرفدار است. حل کردن «مجموع ارقام» یا سرگرمی های منطقی شبیه آن، سرعت پردازش ذهن را بالا می برد. به همین دلیل محققان از آنها با عنوان «ورزش ذهن» و «داروی پیشگیری از آلزایمر» یاد می کنند.

قانون

خانه های خالی را با ارقام ۱ تا ۹ طوری پر کنید که:

۱) مجموع ارقام هر تکه از سطرها با عدد سفید سمت چپش برابر شود.

۲) مجموع ارقام هر تکه از ستون ها با عدد سفید بالایش برابر شود.

۳) ارقامی که در هر تکه می نویسید تکراری نباشند.

اگر برای حل کردن این جدول راهنمایی خواستید:

جدول ویژه می گوید سطر ۱۶ از ۷+۹ تشکیل می شود اما طبیعتا ۹ در ستون ۹ ممنوع است! پس این سطر و ستون پُر شدند.

جدول ویژه می گوید سطر ۲۴ با ۷+۸+۹ پُر می شود. اما ۹ اگر در خانه چپ باشد، در ستونش تکراری می شود و در ستون وسط هم مجاز نیست. چون جمع ستون باید ۸ شود. پس در خانه سمت راست است.

حالا باید جای ۸ را در این سطر پیدا کرد که طبیعتا در ستون ۸ نیست. پس کل ارقام محدوده پُر شد.

جدول ویژه می گوید سطر ۱۶ به ۷+۹ نیاز دارد. وستون ۲۳ به ۶+۸+۹. پس تقاطع به ۹ نیاز دارد.

برای حل هر معما کافیست:

*از رقم صفر استفاده نکنیم.

*جمع ارقام هر تکه برابر با عدد سفید سمت چپ یا بالایش باشد.

*از ارقام تکراری در یک تکه استفاده نکنیم.

*هرگز برای حل کردن این معما حدس نزنیم! قبل از نوشتن هر رقم، دلیل منطقی مان را برای نوشتن آن رقم، مرور کنیم.

*ارقام «محتمل» را برای هر خانه شناسایی کنیم و کمرنگ در آن یادداشت کنیم تا به مرور بعضی از گزینه ها خط بخورند و رقم «قطعی» را کشف کنیم.

*اول سراغ سطر و ستونی برویم که عددش در «جدول ویژه» آمده است.

*از حل تکه های ۲ و ۳ تایی آغاز کنیم.

*بدانیم معما فقط یک جواب دارد.

حل گام به گام یک نمونه

جدول ویژه می گوید: ۴ باید ۳+۱ باشد ۳ هم فقط می تواند ۲+۱ باشد. پس مجبوریم خانه آبی تقاطع را با رقم ۱ پُر کنیم. پس جای ۳ و ۲ هم قطعی است. همین تقاطع ۳ و ۴ در آن سوی جدول هم ۳ خانه را پُر کرد.

جدول ویژه می گوید: در سطری که مجموعش ۶ است، باید ۱ و ۳ هم باشد اما باید ۳ را در خانه راست نوشت تا در ستونش تکراری نشود.

ستونی که جمعش ۱۳ است دو رقم لازم دارد که جمع شان ۱۰ باشد. فقط ۳ راه داریم: ۲+۸ و ۴+۶ و ۱+۹. اما ۲ و ۸ و ۴ و ۶ و ۹ هیچ کدام نباید در خانه پایینی باشند چون مجموع ارقام آن سطر باید ۴ شود! پس ۱ در خانه پایین می آید و مجبوریم در خانه بالایی ۹ را بنویسیم.

مجموع	تعداد خانه	تنها گزینه موجود
۳	۲	۱+۲
۴	۲	۱+۳
۱۶	۲	۷+۹
۱۷	۲	۸+۹
۶	۳	۱+۲+۳
۷	۳	۱+۲+۴
۲۳	۳	۶+۸+۹
۲۴	۳	۷+۸+۹
۳۰	۳	۴+۸+۹
۱۱	۳	۲+۴+۵
۲۹	۳	۶+۸+۹
۳۰	۳	۶+۷+۸

«جدول ویژه» که تنها گزینه موجود در مورد بعضی از اعداد سفید نشان می دهد.

حالا تکلیف ۳ و ۱ هم در ستونی که باید جمعش ۴ باشد مشخص است.

در ستونی که مجموعش ۲۰ است، قبلا جای ۳ و ۱ قطعی شده و برای پر کردنش ۲ رقم می خواهیم که جمع آنها ۱۶ باشد. اما جدول ویژه می گوید چاره ای جز نوشتن ۷ و ۹ نداریم. البته ۹ که در خانه پایینی به دلیل تکراری شدن ممنوع است پس ۹ در بالا و ۷ در خانه پایینی جای می گیرد.

حالا در آخرین خانه از سطری که جمعش ۲۰ است باید ۳ نوشت.

در این ستون که مجموعش ۲۱ است جای ۲ و ۳ از قبل مشخص است پس باید دو رقم پیدا کنیم که جمع آنها ۱۶ باشد. اما جدول ویژه می گوید فقط باید از ۷ و ۹ استفاده کنیم. پس ۹ که در خانه بالایی تکراری می شود را پایین می نویسیم و ۷ هم به خانه بالایی می رود.

این دو رقم نارنجی دلیلی شدند که این ۷ سبز رنگ را برای تکمیل سطری که جمعش ۱۹ است بنویسیم.

برای تکمیل سطری که جمعش ۲۸ است فقط می توانیم ۸ و ۴ را اضافه کنیم اما ۸ را نمی شود در خانه چپ نوشت چون جمع ستونش باید ۷ باشد! پس ۸ در خانه راست و ۴ در چپ جامی گیرد.

دو رقم باقیمانده سیاه هم که ۳ و ۹ هستند با استناد به ارقام قبل مشخص می شوند تا این نمونه کاملا حل شود.

جدول ویژه خراسان

شنبه تا چهارشنبه

قانون: پاسخ ها را حرف به حرف در جهت فلش بنویسید (نوشتن را از خودِ خانه فلش دار آغاز کنید). در آغاز هر سوال گفته شده که پاسخش چند حرف دارد.

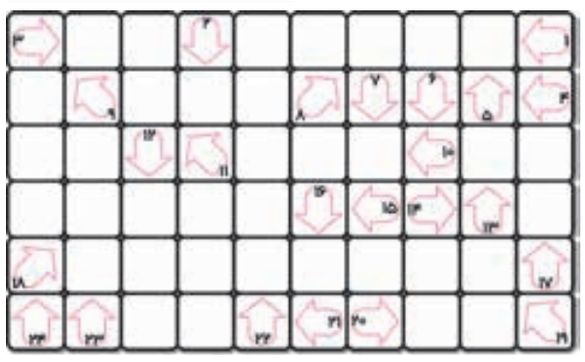

واژگان کمتر اما پرهیز از پرسش هرز (ناخواسته) در این جدول، مایه افزایش بار آموزشی آن شده است. برخی سوال ها، از مطالب روزنامه خراسان روزهای قبل طراحی شده است.

۱-(۶ حرفی) به کنایه به آدم مزاحم می گویند

۲-(۵ حرفی) سایت بازی های کشورهای اسلامی، گزارشی از نتیجه تفنگ ۱۰ متر بادی نوشت که تیم این کشور مقام اول و دوم را کسب کرده بود.

۳-(۴ حرفی) پس از پایان لیگ شانزدهم، باشگاه پرسپولیس بلافاصله با این بازیکن جدید قرارداد بست.

۴-(۷ حرفی) این بازیکن مطرح تکواندو پس از انصراف از حضور در رقابت های انتخابی اظهار داشت: «هم تحقیر شدم، هم تهدید به محرومیت»!

۵-(۲ حرفی) ورزشی در رشته سرعت و استقامت

۶-(۵ حرفی) این مدافع تراکتورسازی تبریز به توافقات نهایی با مسئولان پرسپولیس رسیده تا فصل آینده در جمع شاگردان برانکو حضور داشته باشد.

۷-(۵ حرفی) سوارس فوق ستاره اروگوئه ای می گوید: «وقتی فهمیدم این تیم مطرح مرا می خواهد، گریه کردم.

۸-(۲ حرفی) جانوری با پوست معروف

۹-(۲ حرفی) شهر خرمای ایران

۱۰-(۴ حرفی) علی دایی، سرمربی سایپا خواهان حضور این مهاجم نفت تهران شد.

۱۱-(۳ حرفی) بخش اصلی و پایه ای

۱۲-(۳ حرفی) این ستاره تاتنهام چراغ سبزی به جدایی اش از تیم نشان داد و گفت که نمی خواهد به حضور طولانی مدت در تاتنهام فکر کند.

۱۳-(۳ حرفی) مسابقات چهار و زن دوم رقابت های کشتی آزاد قهرمانی آسیا در این کشور برگزار شد.

۱۴-(۳ حرفی) نجیب و سر به راه

۱۵-(۷ حرفی) در آستانه ماه مبارک رمضان شبکه های تلویزیونی مصر از تصاویر این بازیکن برای تبلیغ استفاده می کنند تا نوجوانان مصری را به روزه گرفتن تشویق کنند.

۱۶-(۳ حرفی) حوضچه حمام

۱۷-(۵ حرفی) خواستگار یوسف نبی (ع)

۱۸-(۵ حرفی) نام قدیمی شهر تیسفون

۱۹-(۳ حرفی) بوته یا قلمه تازه سبز شده

۲۰-(۴ حرفی) گل اول آلکمار مقابل تیم اوتراخت در دقیقه پنجاه و یک توسط این بازیکن روی پاس جهانبخش به دست آمد.

۲۱-(۶ حرفی) تازه به مال و ثروت رسیده

۲۲-(۴ حرفی) روغنی برای سطح کفش و کیف

۲۳-(۵ حرفی) دخمه و زیرزمین خنک

۲۴-(۵ حرفی) صاف و مسطح

سودوکو

هر روز

قانون: ارقام ۱ تا ۹ را در خانه های خالی بنویسید به طوری که در هر سطر، در هر ستون و در هر مربع ۳ در ۳ هیچ رقمی تکراری نباشد.

				۴				
۷				۹				۲
	۱		۷		۵		۹	
		۵				۳		
۸	۲						۶	۵
		۹				۲		
	۵		۹		۱		۲	
۶				۳				۱
				۸				

۵	۱					۷		
۴		۲		۹				
	۹		۸					۱
		۳			۸			
	۴			۱			۲	
			۶			۴		
۸					۳		۶	
				۷		۸		۳
		۱					۴	۲

			۷					
		۵	۹		۴			۵
		۸				۲		
	۸		۳				۷	
۷								۲
	۲			۵			۱	
		۹				۴		
								۷
			۲		۳			
				۱				

پاسخ ها

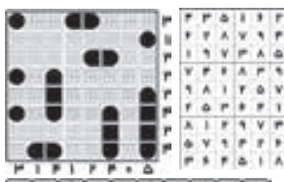

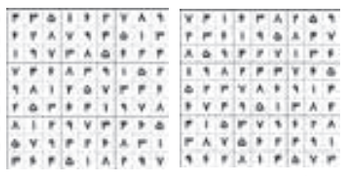

به این ترتیب می توانیم با این نوع چینش به شکل مورد نظر برسیم.